



و خوشگل نگاه می‌کردند و معلّم‌ها  
با تعجب دوروبر ماشین آقامعلّم  
می‌چرخیدند. آقامعلّم خوش حال بود؛  
برگه‌ی زیربرف پاک‌کن را نگاه می‌کرد و  
می‌خندید.

ماشین گذاشتند. نوشتند: «هدیه‌ی  
بچه‌های کلاس پنجم جیم به آقامعلّم  
عزیز. روزتان مبارک.» یک عالمه قلب  
و گل هم دورش کشیدند. زنگ آخر  
که خورد، همه‌ی بچه‌ها و معلّم‌ها  
لبخندزنان توی حیاط آمدند. بچه‌ها  
می‌دویدند و به ماشین تمیز

